#از_یک_تا_چهل_میلیون_بشمار

■ حسین قدیانی ■

یادداشت امروز

یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، پانزده، شانزده، هفده، هجده، نوزده، بیست، بیست و یک، بیست و دو، بیست و سه، بیست و چهار، بیست و پنج، بیست و شش، بیست و هفت، بیست و هشت، بیست و نه، سی، سی و یک، سی و دو، سی و سه، سی و چهار، سی و پنج، سی و شش، سی و هفت، سی و هشت، سی و نه، چهل، چهل و یک، چهل و دو، چهل و سه، چهل و چهار، چهل و پنج، چهل و شش، چهل و هفت، چهل و هشت، چهل و نه، پنجاه، پنجاه و یک، پنجاه و دو، پنجاه و سه، پنجاه و چهار، پنجاه و پنج، پنجاه و شش، پنجاه و هفت، پنجاه و هشت، پنجاه و نه، شصت، شصت و یک، شصت و دو، شصت و سه، شصت و چهار، شصت و پنج، شصت و شش، شصت و هفت، شصت و هشت، شصت و نه، هفتاد، هفتاد و یک، هفتاد و دو، هفتاد و سه، هفتاد و چهار، هفتاد و پنج، هفتاد و شش، هفتاد و هفت، هفتاد و هشت، هفتاد و نه، هشتاد، هشتاد و یک، هشتاد و دو، هشتاد و سه، هشتاد و چهار، هشتاد و پنج، هشتاد و شش، هشتاد و هفت، هشتاد و هشت، هشتاد و نه، نود، نود و یک، نود و دو، نود و سه، نود و چهار، نود و پنج، نود و شش، نود و هفت، نود و هشت، نود و نه، صد، صد و یک، صد و دو، صد و سه، صد و چهار، صد و پنج، صد و شش، صد و هفت، صد و هشت، صد و نه، صد و ده، صد و یازده، صد و دوازده، صد و سیزده، صد و چهارده، صد و پانزده، صد و شانزده، صد و هفده، صد و هجده، صد و نوزده، صد و بیست، صد و بیست و یک، صد و بیست و دو، صد و بیست و سه، صد و بیست و چهار، صد و بیست و پنج، صد و بیست و شش، صد و بیست و هفت، صد و بیست و هشت، صد و بیست و نه، صد و سی، صد و سی و یک، صد و سی و دو، صد و سی و سه، صد و سی و چهار، صد و سی و پنج، صد و سی و شش، صد و سی و هفت، صد و سی و هشت، صد و سی و نه، صد و چهل..... سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و یک، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و دو، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و سه، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و چهار، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و پنج، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و شش، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و هفت، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و هشت، سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و نه، چهل میلیون! خدایی خسته شدیم! من نویسنده از نوشتن این همه عدد و شمای خواننده از خواندن‌شان! تازه این فقط ۱۵۰ عدد از ۴۰ میلیون عدد بود! چیزی نشمردیم! بله! ما چیزی نشمردیم اما سال ۸۸ امنای همین مردم در مسجد و مدرسه و بازار و کوی و برزن، قریب ۴۰ میلیون عدد یعنی حدود ۴۰ میلیون رأی، شمارش کردند! کار آسانی است؟! کار ساده‌ای است؟! ای بسا زن و مرد که چند شبانه‌روز، خواب خوش را بر خود حرام کردند تا هم رأی آن دخترک بالاشهرنشین رأی‌دهنده در حسینیه ارشاد شمارش شود و هم رأی آن پیرزن چادرگل‌منگلی ساکن در کویر مزینان! و صدالبته ایران، تنها شمال‌شهر تهران نیست! که «همه جای ایران، سرای من است!» شگفتا! هنوز جماعت کثیری از این ۴۰ میلیون در صف صندوق آرا بودند، بلکه نوبت‌شان شود و رأی خود را بدهند که نامزد نامرد در خلال یک گفت‌وگوی رسانه‌ای، خود را برنده انتخابات نامید! یعنی دبه درآوردن از همان روز اول! اینکه هنوز بسیاری از ۴۰ میلیون، در محل اخذ رأی باشند و هنوز چند ساعت مانده به پایان رأی‌گیری، تو ناگهان بیایی و خود را فرد پیروز انتخابات بخوانی! و شاخ و شانه بکشی؛ هم علیه نظام، هم علیه سازوکار انتخابات و هم علیه همه این ۴۰ میلیون! از قضا همین است دیکتاتوری! و همین است خود را بالاتر از قانون دیدن! و همین است تمرد و طغیان و فتنه! تو وقتی وسط انتخابات و در شرایطی که هنوز چند میلیون از ۴۰ میلیون در صف رأی‌گیری هستند، می‌آیی و آن خوراک را برای دشمن فراهم می‌کنی، حتی حرمت رأی‌دهندگان به خودت را هم لکه‌دار کرده‌ای! و علنا و عملا ثابت کرده‌ای لایق کاندیدا شدن در انتخابات نبودی! عناصری که تو را و توهم تو را و تقلب تو را و دروغ تو را باد کردند نیز! بعضی‌شان بارها و بارها با همین سازوکار- دقیقا با همین سازوکار!- نماینده و بلکه رئیس مجلس و حتی رئیس‌جمهور شدند اما امان از آن روز که انتخابات را تنها به شرط فتح خود قبول کنی! و مردم تا آنجا برایت عزیز باشند که رأی‌شان تو یا نامزد مدنظر جنابعالی باشد! و الا حاضری بزنی زیر میز بازی! و تکرار کنی یا تَکرار کنی مرتب، خباثت خود را! و در آشکارترین وقاحت و بدترین سوءاستفاده از لطف و رواداری نظام، مردم را دعوت کنی به شرکت در همان انتخاباتی که ۸۸ آن بلا را آوردی سرش! و سر همه آن ۴۰ میلیون! والله جای نظام بودم، اقلا این جریمه را برایت در نظر می‌گرفتم که از یک تا ۴۰ میلیون، بی‌وقفه بشمری! هم توی تَکراری و هم دوستان مکررتر از خودت! یکی از یکی واقعا می‌خواهم بگویم؛ وقیح‌تر! ما حساب کردیم که اگر بخواهی از یک تا ۴۰ میلیون را در روزنامه چاپ کنی، می‌شود بالغ بر ۵۰ و بلکه ۶۰ و شاید حتی ۷۰ هزار صفحه روزنامه! اصلا مگر قابل محاسبه است! عدد «یک» را راحت می‌شود تایپ کرد لیکن «سی و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و نه» خودش کلی عدد و کلمه است! و عدد قبلش نیز! و قبلی‌ها نیز! حیف که اولا ناظر بر حفظ محیط‌زیست، در بحران کاغذ به‌سر می‌بریم و ثانیا بشدت گران است همین کاغذ موجود در بازار و الا واقعا قصد داشتیم امروز در سالگرد ۹ دی ۸۸ که فی‌الواقع پاسداشت همه آن ۴۰ میلیون رأی بود، اینگونه پاسداری کنیم از آن حماسه ملی که کل شماره امروز بشود نوشتن همه اعداد از میان یک تا ۴۰ میلیون! هر چند هزار صفحه که می‌خواهد بشود! بلکه متوهمین، متنبه می‌شدند که چقدر کار زشت‌شان بزرگ بود! آری! پای همه این اعداد و همه این آرا، خون مقدس شهیدان ریخته شده! اشتباه است اگر فکر کنیم خون شهدا، تنها برای حفظ خاک بوده یا حفظ اسلام! آن قطرات سرخ، یکی هم برای این ریخته شد که ما همیشه انتخابات داشته باشیم! در امن و امان! که هم موافق بیاید رأی بدهد و هم مخالف! هم شمال‌شهری و هم جنوب‌شهری! همه! از روستایی گرفته تا آن سرباز لب مرز! حتی هموطنان‌مان در خارج! آیا آسوده است صندوق رأی را به همه واجدان شرایط رأی رساندن؟! و حتی رساندنش به همه آن آبادی‌ها که تنها چند کیلومتر فاصله دارند با نقطه صفر مرزی! و بعد هم کار طاقت‌فرسای شمارش! آنهم با دست جماعتی از همین مردم! کجا وزارت کشور یا شورای نگهبان، این همه کارمند دارند که از پس شمارش همه اعداد آن حماسه ۴۰ میلیونی برآیند؟! معلوم است که امنای خود مردم باید بیایند وسط! معلمان! فرهنگیان! خوش‌نامان! بعد تو بیایی و هنوز انتخابات تمام نشده، پرده برداری از اوج خباثتت! و هیچ هم راضی نشوی از راه قانون بروی! و مدام عِده و عُده به رخ نظام بکشی! و مردم را بیندازی به جان هم! و حماسه را فرو بکاهی در حادثه! و بلکه فتنه و آبروبری! و کام‌های شیرین را تلخ کنی! که چی؟! که برنده انتخابات منم! و ۱۳ از ۲۴ بزرگ‌تر است! حتی وقتی که هنوز مردم در صف رأی هستند! و یا آن متوهم بیچاره که آرایش حتی از آرای باطله هم کمتر بود! و آن وقت بنازم معرفت مرحوم هاشمی را که نه‌تنها آن نامه عاری از ادب را نوشت که بارها خواهان ابطال انتخابات شد! ابطال ۴۰ میلیون رأی! و ۴۰ میلیون عدد! که من همین جا دعوت می‌کنم از اهالی مطبوعات که حساب کنند دقیقا چند صفحه روزنامه می‌شود! حتی حسابش هم به این راحتی‌ها نیست! تو آن وقت مدعی شوی که چون با فلانی حال نمی‌کنی، پس ابطال انتخابات! ببخشید! مگر ما ۹۲ و ۹۶ مثلا خیلی حال می‌کردیم با نامزد پیروز آن ۲ سال؟! الحمدلله تخلف هم اقلا در ۹۶ کم نبود! رئیسی اما راه قانون رفت! قالیباف هم ۴ سال پیشش! و همه کسانی که رأی داده بودند به این ۲ نفر! پس حرف غلط یا اصلا دروغ هیچ نامزدی در ایام تبلیغات، مجوز یورش به قانون نمی‌شود! با فلانی حال نمی‌کنیم هم! خوب یا بد، اکثریت مطلق یا شکننده مردم در ۹۲ و ۹۶ به آقای روحانی رأی دادند و نظام، هر ۲ بار هم رأی ایشان را خواند! و مگر ۲ بار رأی خود مرحوم هاشمی را نخواند؟! و مگر بار ۲ بار رأی رئیس‌جمهور بعدی را نخواند؟! آیا آقای «خ» با سازوکار انتخابات در کشور افغانستان یا گینه یا اصلا بگو فرانسه، برای ۲مرتبه رئیس قوه مجریه شد؟! طرفه حکایت اینجاست که امروزه‌روز، باز این نظام مظلوم جمهوری اسلامی است که از قانونی بودن ریاست‌جمهوری آقای روحانی دفاع می‌کند، حتی در برابر کسانی که از رأی دادن به شیخ سرخه‌ای پشیمان شده‌اند و عوض تلنگر به رأی خود، از نظام گله می‌کنند که چرا این است اوضاع؟! اوضاع هر چی هست، آقای روحانی رئیس‌جمهور قانونی و رای خود مردم است. ۸۸ هم فرد پیروز، قانونی بود و رای مردم بود. و دفاع آن روزهای خامنه‌ای از قانون بود! مثل الان! رأی مردم، بازیچه دست فتنه‌گران نیست که روزی عزیز باشد و روزی ذلیل! با این همه اما رهبر انقلاب زیر بار بدعت ابطال انتخابات نرفتند و به نامه سرگشاده، وقعی ننهادند! خامنه‌ای، همان خامنه‌ای است! عوضی‌ها توهم نزنند رهبر ما عوض شده! خامنه‌ای در دوم خرداد و همه آن انتخابات‌های بعد، هم پای کل آرا ایستاد و هم پای فرد پیروز! مکرر در سال ۸۸ و حتی ۸۹ دعوت کردند حضرت آقا که اگر کسی بر فرض اعتراضی هم دارد، از راه قانون برود لیکن جماعت با این شعار، خیلی خوب خودشان را لو دادند: «انتخابات، بهانه است؛ اصل نظام نشانه است!» اصل همان نظام که هم پای رأی مردم به هاشمی ایستاد و هم الی‌آخر! اصل همان نظام که زمینه‌ساز حماسه ۴۰ میلیونی شد! اصل همان نظام که حتی از مخالف هم دعوت به شرکت در انتخابات می‌کند! این یک روحیه و منش و روش است؛ یکی هم آن است که فتنه‌گران در ۸۸ کردند! و بعدها خودشان گفتند «تقلب، اسم رمز آشوب بود!» بله! این اعتراف اما آیا تحریم‌هایی که فتنه باعثش شد را هم قادر است لغو کند؟! و آیا قادر است جان مجدد ببخشد به شهدایی چون «غلام‌کبیری» و «ذوالعلی»؟! چه می‌نویسم که حتی خون آن ۳کشته کهریزک هم در اصل پای کسانی است که ادعای دروغ «تقلب» برای‌شان، هیچ نبود الا «اسم رمز آشوب»! القصه! اوج مهر و مهربانی نظام ما را ببین که از آن جماعت متقلب، بعضی شدند وکیل و برخی وزیر و حداقل یکی هم چند صباحی شهردار شد! آن وقت جمهوری اسلامی باید درباره موضوعاتی چون «حقوق بشر» شرمنده فرانسه باشد! حتی شرمنده ترکیه اردوغان که دیدیم چه کرد با آشوبگران! دیروز هم این را نوشتم؛ یکی آن بالا هست اما که هوای ما را داشته باشد! و او بود که از قطره‌های هیچ، اقیانوس ۹ دی ساخت! ۹ دی همان روزی بود که مردم، یک‌یک آن ۴۰ میلیون عدد را شمردند! و سینه سپر کردند برای همه آن اوراق الحق بهادار! و اعلام کردند؛ جمهوری اسلامی در راه حفاظت از آن ۴۰ میلیون عدد و رأی، هرگز تنها نیست! و کاملا اتکا دارد به ملتش! آری! ما ملت جمهوری اسلامی هستیم! ملت نستوه ایران! رأی ما سوای بیعت ماست! ما شاید روزی از رأی به این و آن، نادم شویم اما پای بیعت‌مان با نظام هستیم! ۹ دی لیلةالقدر دفاع از مردمسالاری دینی بود! و اینکه داعیه‌داران ابطال انتخابات، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند! حتی اگر هیلاری کلینتون و باراک اوباما پشت‌شان باشند! آن روزها ما متکی به خدا بودیم و این روزها هم! آن روزها هنوز حججی زنده بود! و هنوز حتی احمدی‌روشن زنده بود! زیاد بودند از تبار آسمانی‌ها در یوم‌الله ۹ دی! گویی همه شهدا بودند! همه بچه‌های دوکوهه و مهران و بازی‌دراز و فکه و شلمچه! اجنبی شرط بسته بود روی تنهایی علی اما معلوم شد که «ما اهل کوفه نیستیم»! لذا نه رهبرمان تنها ماند و نه آن ۴۰ میلیون رأی! اگر ۹ دی نبود، ای بسا ما دیگر نمی‌توانستیم انتخاباتی برگزار کنیم! ۹ دی، مهر ختامی بود بر پیشانی چرک مدعیان ابطال انتخابات! ۹ دی، اتمام حجت بود! باز هم اگر دشمن در این مرز و بوم فتنه کند، پاسخش از همان جنس ۹ دی است! حدودا ۱۰ سال گذشت! روز ۹ دی ۸۸ ما در این فکر بودیم که ان‌شاءالله کربلای ۵ بماند اما خدا راهپیمایی ما را تا خود کربلا امتداد داد! از آن جماعت، یکی شد احمدی‌روشن و دیگری حججی! دشمن اما هنوز درگیر مکان دقیق نارنجک حسین فهمیده است! گمانم به تانک نزد! زد به مخت! آری! زد به مخت که این همه عقبی از روزگار!

۸۸، هفته‌ای نبود که هفته بعدش روز سقوط جمهوری اسلامی نباشد اما اوباما در خواب هم نمی‌دید که قریب ۱۰ سال بعد، ما در سوریه باشیم و آمریکا در انزوا! آقای اوباما! ژنرال سلیمانی چطوری می‌رود عراق و ترامپ چطوری؟! خانم کلینتون! چقدر رجز خواندی برای ما ۹ سال پیش! فردای ۹ دی، خوب یادم هست که مصاحبه کردی و گفتی؛ «قبول نیست! این یک راهپیمایی حکومتی است!» و من جوابت را اینگونه دادم؛ «تا وقتی حاکم، علی است، همه راهپیمایی‌های ما حکومتی است!» من الان هم بر همان موضع قبلی هستم! تو اما کجایی؟! دنیا امثال مرا به قاسم سلیمانی می‌شناسد و تو را به مادری داعش! عالی مچ فرزندانت را خواباند، سردار ما! عالی مچ کاخ سفید را خواباند یوم‌الله ۹ دی ما! چشم‌بسته غیب گفتی! و چقدر هم درست! بله! یک راهپیمایی حکومتی بود ۹ دی! و قدر مسلم، کاخ روسیاه سفید، باز هم از کلمه‌کلمه «بیت رهبری» سیلی خواهد خورد! ما فرار آمریکا از تمام این دنیا را هم خواهیم دید! فرار از شام، استعاره بود! ما مرگ آمریکا را خواهیم دید! گفته بودیم ۹ دی، فراوان که «مرگ بر آمریکا»!

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz

شماره: ۹۷/۱۷/۲۶۳۲۲ تاریخ: ۹۷/۱۰/۶

شهرداری ارومیه

آگهی مناقصه عمومی
نوبت دوم

شهرداری ارومیه در نظر دارد باستناد ماده ۵ آئین نامه معاملاتی و اعتبارات مصوب سال ۹۷ ، نسبت به عملیات و اجرای جدول گذاری در سطح شهر ارومیه را برابر شرایط خصوصی، مشخصات فنی ، برآورد اولیه ، نقشه های اجرایی و اسناد منضم به مدارک مناقصه با مبلغ اولیه ۲۴/۹۹۷/۱۳۶/۷۹۹ ریال (بیست و چهار میلیارد و نهصد و نود وهفت میلیون و یکصد وسی و شش هزار و هفتصد و نود ونه ریال) براساس فهرست بهاء راه و بانا سال ۹۷ و ضریب بالاسری ۱/۴۱ و ضریب منطقه ای ۱/۰۵ با تجهیز کارگاه بصورت مقطوع و با اعمال تعدیل براساس بخشنامه های شامله معاونت برنامه ریزی استانداری در مدت ۱۰ ماه شمسی توسط پیمانکاران مجاز تشخیص صلاحیت شده و دارای ظرفیت معاونت برنامه ریزی استانداری اقدام نماید از پیمانکاران واجد شرایط در رشته ابنیه که مایل به همکاری هستند درخواست میشود جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه همه روزه تا آخر وقت اداری روز پنجشنبه مورخه ۹۷/۱۰/۲۰ به امور قراردادهای شهرداری مرکزی واقع در میدان انقلاب شهرداری ارومیه و یا به سایت شهرداری به آدرس www.urmia.ir مراجعه فرمایند.

حضرت پور - شهردار ارومیه

۷۱۲

لجبازی استراتژیک یا جدال سنتی؟

بین الملل

ادامه از صفحه ۱۵

او بخوبی می‌داند دموکرات‌ها درباره پرونده خاشقجی و حمایت بی‌چون و چرای کاخ‌سفید از سعودی‌ها آرام نمی‌نشینند اما محور اصلی حمله دموکرات‌ها دخالت روسیه و زد و بندهای مالی او و اطرافیانش خواهد بود.

بدین جهت ترامپ فرصت را برای حمله غنیمت شمرده و چند روز مانده به کریسمس میزان درگیری خود با دموکرات‌ها بر سر پرونده دیوار مکزیک را افزایش داد تا در نهایت تهدید به تعطیلی دولت فدرال را عملیاتی کند. بدیهی است او عواقب اقتصادی تعطیل شدن دولت و خانه‌نشین شدن کارمندان را بخوبی می‌داند و حتی به این درک رسیده که امکان دارد کارمندان دولت دست به تجمعات اعتراضی بزنند اما به دنبال آن است تا موج انتقادها را به سمت دموکرات‌ها روانه کند. ترامپ به دنبال آن است ملی‌گراهایی را که سال ۲۰۱۶ به او رای داده بودند علیه رقبای سنتی خود تحریک کند و به آنها بفهماند دموکرات‌ها نمی‌گذارند او شعارهایش در بحث ممانعت از نفوذ مهاجران را عملیاتی کند.

طبیعی است در وضعیت فعلی و با شروع سال نوی میلادی تمام قانونگذاران در مجلس سنا برای سپری کردن تعطیلات به ایالات و حوزه‌های انتخابی خود بازگشته‌اند اما ترامپ همچنان در کاخ‌سفید تک و تنها به سناریوهای محتملی فکر می‌کند که پس از تعطیلات اجرایی خواهد شد. او به دنبال مقابله به مثل علیه دموکرات‌هاست و تنها چیزی که در ذهنش با خود مرور می‌کند خلاص شدن از هجمه جناح مقابل و سناریونویسی برای پدافند و آفند متقابل است. او همچنان به این فکر می‌کند که تا سال ۲۰۲۰ چگونه می‌تواند افکار عمومی را با خود همراه کند و دومین دوره ریاست‌جمهوری خود را در کاخ‌سفید جشن بگیرد، لذا در روزها و ماه‌های آینده باید منتظر هجوم و حملات توئیتری و لفظی ترامپ به دموکرات‌ها و تحریک حس ملی‌گرایی از سوی رئیس‌جمهوری آمریکا باشیم. از این جهت تعطیلی دولت فدرال آمریکا را باید یک مجادله سنتی میان ۲ حزب اصلی با درون‌مایه حمله استراتژیک بدانیم.